

# سیرت نبی صلی اللہ علیہ وسلم

فضل غنی مجددی

تقدیم به کنفرانس:

سیرت نبی صلی اللہ علیہ وسلم

به همت

مسجد جامع رسیدا و انجمن دعوت اسلامی فغانان  
مقیم امریکا ( آمو )

فبروری 2011

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل من السنة تبيانا للكتاب و نورا يهتدى به أولى الالباب  
و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله و صاحبته و من تبعهم  
باحسان إلى يوم الدين      وبعد :

از آغاز زندگی حضرت آدم عليه السلام در روی زمین تا بعثت سید البشر  
حضرت محمد صلی الله علیه و السلام، اولاد آدم به تجربه های متعدد و  
مختلف رو برو شد و اکثرا بعد از هدایت به گمراهی و از وحدانیت به  
شرک رو آورد و در هر مقطع از زمان حضرت خداوند سبحانه و تعالی  
انبیاء را مبعوث نمود تا مردم را از گمراهی به هدایت و از تاریکی به  
روشنی رهنمائی کنند لیکن انسان بعد از هر هدایت و ایمان به وحدانیت  
به جهالت و گمراهی و الحاد برگشت. تمدن لا دینی مصر، یونان قدیم،  
هند، چین و فارس تأثیر عمیق در عاطفه و عقل انسان وارد ساخت و  
انسان را به الحاد دعوت و از مدنیت آسمانی دور ساخت تا اندازه که انسان  
فراموش نمود که برای کدام هدف و وظیفه خلق شده تا درجه که خلافت  
خود را در روی زمین فراموش نمود.

وظیفه اول تمام ادیان سماوی، اصلاح حال داخل انسان است و با اصلاح  
داخل عقل، تفکیر و ضمیر انسان اصلاح میشود. حرکت الحادی از قدیم  
الزمان تا امروز می داند که مبارزه با عقیده توحید باید از داخل انسان  
شروع شود.

دعوت سیدنا عیسیٰ علیه السلام، برای اصلاح حال فرد و جامعه بود و  
سیدنا عیسیٰ علیه السلام برای علاج داخل انسان مبعوث شد، لیکن

بزویی الحاد عیسیویت را از داخل ویران و عقیده شرک جای وحدانیت را گرفت تا جای که برای خدای واحد پسر و خانواده را شریک ساختند. قرآن کریم در سوره یونس آیه: 68 – 70 عودت به الحاد و شرک را اینطور بیان میکند:

(قالوا أتَخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سَبِّحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عَنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ \* قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ لَا يَفْلَحُونَ \* مَتْعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مُرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ)

(گفتند کافران فرزند گرفته است خدا، پاکی او راست اوست بی نیاز، او راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است می گوئید بر خدا آنچه نمی دانید.).

شش قرن بعد از رسالت حضرت عیسیٰ علیه السلام خداوند سبحانه و تعالیٰ جهت اصلاح عقیده اولاد آدم حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله و علیه وسلم را به رسالت مبعوث نمود. رسالت اسلام دعوت مردم به وحدانیت و مبارزه علیه شرک بود. برای خداوند سبحانه و تعالیٰ مشکل نبود که برای هر قریه و هر شهر رسول و نبی مبعوث نماید چنانکه در زمانهای گذشته در هر قریه رسول و نبی مبعوث میشد لیکن سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم به تنهایی خود جای هزار ها نبی و رسول را گرفت و اراده خداوند باین رفتہ بود که شخص واحد قادر به رسانیدن دعوت وحدانیت به تمام جهانیان باشد.

## ولادت حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم :

حضرت محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب در مکه مکرمه ولادت طبیعی نمود . مؤرخین روز ، ماه و سالی که حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم در آن تولد یافت بدقت ثبت نکرده اند لیکن روایات زیادی است که آنحضرت در سال 570 م , 12 ربیع الاول 53 قبل از هجرت تولد یافت .

تعیین وقت یا روز معین برای ولادت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم از ناحیه اسلامی با مقارنه با نبوت و رسالت اهمیت فوق العاده ندارد زیرا نبوت و رسالت است که مقام آنحضرت را بلند می سازد تا اندازه ایکه خداوند سبحانه سیدنا محمد را بصفت سخنگویی رسمی خود معرفی میکند .

بعضی حکایت و قصه ها در مورد ولادت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم در بعضی کتب آمده مانند : چهارده ستون قصر کسری سقوط نمود ، آتش آتشکده زرد شت خاموش شد ، کلیساها در بحیره (ساوه ) منهدم شد .

ما مسلمانان باید حکایتی که در مورد ولادت آنحضرت روایت شده بدقت مطالعه نمائیم و نباید از غلو کار بگیریم زیرا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم امت خود را از غلو منع نموده و فرموده است که امت های قبل سبب گمراهی شان غلو بود . محمد الغزالی در کتاب خود بنام (فقه السیرة) در مورد حکایت فوق می نویسد : این حکایات تعبیرات غلط از فکر و حقیقت صحیح است . در حقیقت میلاد سید البشر زنگ خطر برای ظلم و ظالمین و استبداد فکری و سیاسی مانند اینکه میلاد سیدنا موسی اعلان از سقوط فرعون و استبداد و آزادی غلامان بود است . میلاد رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم انقلابی بزرگی بود که جهان بشریت نظیر

و مانند آنرا بیاد ندارد . میلاد سیدالبشر اعلان از آزادی ، حریت عقل و فکر بشر از خرافات و تصحیح عقیده توحید و سقوط ظلم و استبداد بود . ام المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها بشدت علیه کسانی که بعضی امور را بدون فهم قرآن کریم به محمد صلی الله علیه وسلم نسبت میدادند قیام نمود و در اصلاح عقاید مردم توجه عمیق نمود تا اینکه در نتیجه غلو و تعصبات جاهلانه مسلمانان از راه مستقیم و حقیقت ایمان فاصله نگیرند بطور مثال :

بعد از نزول آیه (النجم ) بعضی معنی آیه مبارکه (ثُمَّ دَنَا الْجَبَارُ ربُّ الْعِزَّةِ فَتَدَلَّى ) را تفسیر به دیدن محمد صلی الله علیه وسلم از خدا کردند . امام مسروق از ام المؤمنین سؤال کرد : یا مادر ما ! آیا محمد رب خود را دید ؟ ام المؤمنین جواب داد : مو هایی سرم بلند شد از آنچه گفتی ! سه موضوع را هر کس برای شما حکایت کند دروغ گفته است :

1. من حدثک أن محمدا رأى ربه فقد كذب . هر کس برای شما بگوید يا حدیث کند که محمد خدایی خود را دید دروغ گفته . بعدها ام المؤمنین این آیه مبارکه را تلاوت کرد : ( لَا تَدْرِكَ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يَدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ لَطِيفُ الْخَبِيرِ \* الأنعام : 103 ) « در نمی یابند او را چشم ها (یعنی در دنیا ) و او در می یابد چشم ها را و اوست مهریان آگاه ». و ما کان لبشر أَن يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيَا أَوْ من ورای حجاب \* الشوری : 51 ) . « ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گویدبا او خدا مگر باشارت یا از پس پرده یا بفرستد فرشته را پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواسته است هر ائینه خدا بلند مرتبه با حکم است » .

2. و من حدثک أنه يعلم ما في غد فقد كذب . اگر کسی برای شما بگوید که او یعنی محمد میدانست که فردا چه پیش میشود

دروغ می گوید . بعد از این گفتار آم المؤمنین آیه مبارکه را تلاوت نمود : ( و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ما تدری نفس بای ارض تموت \* لقمان : 34 ) . « و نمی داند هیچ شخصی که چه کار خواهد کرد فردا و نمی داند هیچ شخصی که بکدام زمین خواهد مرد هر آئینه خدا دانا خبردار است ».

3. ومن حدثك أنَّ مُحَمَّداً كَتَمْ أَمْرَا فَقْدَ كَذَبَ . اَفَرَكُسَى حَدِيثَ كَرَدْ شَمَّا رَا كَهْ مُحَمَّدْ چَيْزِي اَزْ اَمْرَ خَدَا رَا پِنْهَانْ نَمُودَهْ دَرَوْغْ مِيْ گَوِيدْ يَا دَرَوْغْ گَفْتَهْ اَسْتَ . بَعْدَا اَيْنَ آيَهْ رَا تَلَاقَتْ نَمُودَهْ : ( يَأَيْهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ... \* الْمَائِدَهُ : 67 ) « اَيْ پِيَغَامِيرْ بِرْ سَانْ آنْچَهْ فَرُودْ آوَرْدَهْ شَدَهْ اَسْتَ بَسُويْ تُو اَزْ جَانِبْ پِرْ وَرْدَگَارْ تُو وَ اَفَرْ نَكْرَدَيْ - يَعْنِي اَفَرْ يَكْ آيَتْ هَمْ نَرْ سَانَدَيْ - نَرْ سَانَدَهْ بَاشِيْ پِيَغَامِ خَدَا رَا وَ خَدَا نَگَاهْ مِيْ دَارَدْ تَرَا اَزْ مَرْ دَمَانْ هَرْ آئِينَهْ خَدَا رَاهْ نَمِيْ نَمَايِدْ گَرَوَهْ كَافِرَانَ رَا ».

آم المؤمنین عائشه رضی الله عنها از جمله محدثات و فقهاء صدر اول اسلام و در علوم و فقه قرآن استاد کامل بود . آم المؤمنین سنت و سیرت و حدیث را به میزان قرآن وزن میکرد و نمیگذاشت چیزی داخل اسلام شود که از اسلام نیست . علمای اسلام در روشنی نظریات آم المؤمنین باین نتیجه رسیده اند که : سنت بدون فقه و فقه بدون سنت نیست . و همچنان فقه در عاجز بودن از فهم قرآن و زندگانی مردم نیست .

ما مسلمانان که امروز میلاد النبی را تجلیل می کنیم باید تجلیل ما در اصل تجلیل از عقیده وحدانیت و حریت فکر و تعبیر باشد نه تقلید کور کورانه از اسلاف و گذشتگان .

امروز مسلمانان خود را مشغول به اموری نموده اند که اصلا ارتباط به میلاد ندارد . مسلمانان صدر اسلام خصوصا صحابه حاضر نشدند میلاد را تجلیل کنند و حتی حاضر نشدند میلاد را مبدأ تاریخ قبول کنند . چرا ؟

بخاطری اینکه ترس داشتند تا مسلمانان مانند عیسیویان فقط یکبار در یک سال از میلاد و صاحب رسالت تجلیل کنند و باقی سال را دور از سنت و سیرت زندگانی داشته باشند و حالت امروزی مسلمانان نشان میدهد که صحابه کرام در حق بودند.

مسلمانی که با ضمیر و عقل و فکر و طرز تفکر خود با رسول الله زندگی نداشته باشد اگر هر سال تجلیل از میلاد کند و هزار صلوات بفرستد نه به شخص خودش و نه هم به صاحب رسالت و دین اسلام نفع میرساند.

ملحوظه فرماید هزار سال است که مسلمانان از میلاد تجلیل میکنند لیکن حالت سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و نظامی ما هر سالی که میگذرد از سال قبل خراب تر می باشد دلیل آن اینستکه هر سال که از حیات ما میگذرد از تعلیمات اسلام و سنت سیدالبشر فاصله بیشتر شده میرود و امروز فاصله بین ما و قرآن و سنت باندازه زیاد شده که اگر از خواب غفلت بیدار نشویم و به قرآن و سنت بر نگردیم از جمله کسانی خواهیم بود که خسر الدنیا و آخرت میباشند.

مسلمانان امروز از سنت و سیرت نبوی علیه السلام بسیار کم با خبر اند . معرفت کم از سنت ، نداشتن علم به سیرت مساوی به جهل است اگر ما سیرت آنحضرت را به عقل روشن و ضمیر زنده می دانستیم و فهمی که از آن لازم بود میگرفتیم موقف ما در برابر برادران مسلمان ما طوری که هست نمی بود بلکه موقف ما به حق و صواب نزدیکتر می گردید . جهل به سنت و بی خبری به سیرت نبی الله صلی الله علیه وسلم سبب شده که سیرت و سنت به قصه ها و افسانه هاتبدیل گردد . حضرت محمد صلی الله علیه وسلم انسانی نیست که قصه ولادت و زندگانی اش با اشعار و قصائد فقط در شب میلادش خاتمه یابد بلکه برای مسلمانان واجب است تا

سیرت و سنت را از نو مطالعه نمایند و خود را از علم، اخلاق، عمل کرد، عبادت، جنگ، صلح و سیاست های پیغمبر اسلام با خبر سازند و فکرا و عملا از سیرت و سنت پیروی نمائیم در غیر آن اگر هزار ها صلوات به صاحب رسالت بفرستیم نه برای ما و نه هم برای دین اسلام نفع میرسد. علماء می گویند مسلمانی که با ضمیر و فکر از سیرت و سنت پیروی صادقانه نکند بهتر است میلاد را تجلیل نکند.

### شق الصدر:

واقعات مهم زندگی دوران طفولیت آنحضرت را تاریخ سیرت ثبت نموده، امشب فقط به یکی آن که بنام (شق الصدر) یاد میشود و قرآن کریم از آن حکایت میکند اشاره می نماییم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم پنج سال دوران طفولیت خود را در قبیله بنی سعد در منزل بی بی حلیمه سعدیه رضی الله عنها گذشتاند.

شر، مثل افزایات غدوی است که در جسم انسان داخل میشود و موجات الکترونی دارد که بسرعت داخل قلب انسان شده و قلب انسان بدان متأثر می گردد و شیاطین درانتظار اندتا انسان غفلت نماید و بسرعت شر را به قلب او برسانند. در مقابل شر، خیر ماده است مثل بنزین که برای ماشین قدرت حرکت میدهد. انبیاء علیهم السلام که بهترین مخلوقات خداوند اند، وظیفه شان اخراج مردم از ظلمات بطرف نور است لذا خداوند قلب های شان از هر نوع وسوسه های شیطانی اگر چه کوچک هم باشد و از شر محفوظ ساخته است.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید : رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند که باهر کس یک همراه (قرین) از جن و ملائکه است.

گفتند یا رسول الله با شما هم. جواب دادند با من هم مگر خداوند مرا حفظ نموده، امر نمیشوم مگر به خبر « مسلم 8 / 139 ». به همین معنی حدیث دیگر از روایت أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها را مسلم می آورد.

یگانه استنتاج یا نتیجه گیری که از حکایت شق الصدر علمای کرام میکنند آنستکه بشری ممتاز چون محمد صلی الله علیه وسلم عنایت الهی در حق اش بود تا قلب او را از وسوسه های شیطانی که اکثر مردم را متوجه است محفوظ داشته باشد. قرآن کریم قصه شق الصدر را در آیه انشراح اینطور بیان میکند: (آیا کشاده نه کرده ایم برای تو سینه ترا \* و دور کردیم از تو بارترا \* آن بار که گران کرده بود پشت ترا \* و بلند ساختیم برای تو ثنای ترا \* پس هر آئینه پس از دشواری آسانی سنت \* البته پس از دشواری آسانی است \* پس وقتیکه از کار و بار فارغ شوی در عبادت خدا کوشش کن \* و بسوی پروردگار خود تفرغ نما ) شق الصدر اگر چه خاص به آنحضرت است لیکن برای امت سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم درس بزرگ میباشد. شق الصدر نسبت به امت اسلام عبارت از توبه صادقانه و عبادات خالصانه برای خدا میباشد و همچنان متوجه ساختن امت به حفظ و صیانت قلب های شان.

### محبت رسول الله صلی الله علیه وسلم:

محبت و دوستی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم جزئی از ایمان مسلمان است. علمای اسلام محبت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را در باب عقاید بررسی میکنند و مسلمانی که رسول الله را دوست ندارد در ایمانش نقص وجود دارد. حضرت عمر رضی الله عنہ به رسول خدا از دوستی خود حکایت نمود و گفت یا رسول الله بغیر از نفس خود شما را از تمام دنیا دوست دارم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم گفت: یا عمر ایمان

تو تکمیل نمیگردد تا اینکه من را از نفس خود هم بیشتر دوست نداشته باشی.

دوستی و قربت و نزدیکی به رسول الله صلی الله علیه وسلم در ثقافت اسلامی روحی و عقلی و فکری میباشد و از اعماق قلب است نه سطحی لذا عقول یا عقل های مریض و ارواح ناپاک و قلب های سیاه هرگز محبت رسول الله را نمی داشته باشند.

باید انسان از خود سؤال کند که دوستی و محبت چه وقت بوجود میآید، وسیله و اسباب دوستی کدام است. دوستی و محبت زمانی بوجود می آید که آشنائی و معرفت قبل از آن بوجود آید زیرا انسان، انسانی را وقتی دوست می داشته باشد که او را بشناسد و رابطه بین هر دو طرف قائم شود و در نتیجه شناسائی و رابطه محبت و دوستی بوجود می آید.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم محبت و دوستی خود را مربوط به دوستی بنده به خدا میداند. بنده، خدا را دوست نمی داشته باشد مگر اینکه اولاً خدا را بشناسد و بعداز شناخت از صفات و اسماء خداوند بنده قادر میشود که خدا را دوست داشته باشد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (أَحَبُوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُو كُمْ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ، وَأَحَبُونِي بِحُبِّ اللَّهِ ... ) خدا را دوست داشته باشید که نعمت های خود را بشما مهربانی نموده، و مرا دوست داشته باشید به دوستی خدا.

قرآن کریم محبت و دوستی خدا را مشروط می سازد به متابعت از سنت رسول الله و قرآن می گوید:

( قل : إِنْ كُنْتُمْ تَحْبُونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يَحِبِّكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ \*آل عمران: 31).

بگو (ای پیغمبر) اگر خدا را دوست دارید پس مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را بیامزد و خداوند آمرزنده مهریان است.

در نصرت و پیروزی مسلمانان خداوند می فرماید که خداوند مردمی را می آورد که ایشان خدا را دوست دارند و خداوند ایشان را دوست دارد. یعنی نصرت و پیروزی نیست مگر توسط اشخاصی که از دوستان خداوند باشند.

دوستی خدا و رسول خدا باید در متابعت قرآن و سنت باشد و متابعت از قرآن و سنت وقتی تحقق می یابد که انسان با ضمیر زنده و عقل منیر و فکر جامع و قلب مملوء با تقوی از پیغمبر اسلام پیروی نماید. محمد الغزالی می نویسد: یقینا برای رسیدن بر رضای خداوند سبحانه و تعالی و کسب محبت او تعالی یکراه وجود دارد که عبارت است از متابعت محمد صلی اللہ علیہ وسلم، و پیروی او و رفتار بر طبق سنت او.

ما مسلمانان امروز فقط ادعا داریم که خدا و رسول او را دوست داریم در حالیکه واقعیت های زندگی ما نشان میدهد که بین محبت خدا و رسول خدا و ما مسافه های زیادی ایجاد شده است.

### دعوت در مکه یا دعوت قبل از هجرت :

حالت موجوده مسلمانان نشان میدهد که در مورد دوران حیات پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در مکه معظمه از طرف محققوین بحث و تحقیق کافی نشده است از این سبب بسا چیز هایی است که تا امروز نزد مسلمانان مجهول مانده است. حالت موجوده ما مسلمانان حکم میکند که باید عهد مکی را مطالعه جدید و احادیث مکی را جمع آوری نمائیم خصوصا آن احادیثی که در صحیح البخاری و صحیح المسلم آمده است. دوران زندگی پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم در مکه مکرمه منهج تربیتی

مهمی است که اساس اول تربیوی امروز ما را می سازد از اینرو امید است که علمای سنت و سیرت و محققین جوان کشور توجه عمیق خود را در روش ساختن منهج تربیوی که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم در مکه اساس گذاشته اند مبذول داشته باشند.

در این کنفرانس به مهمترین نقاط منهج تربیوی عصر مکه اشاره سریع می شود و امید است یک مقدمه خوبی برای یک تحقیق کامل و شامل باشد.

1. وحدانیت: دعوت به وحدانیت و عقیده توحید و شناخت خداوند سبحانه و تعالی و عبادت خداوند عزو جل باسas عقیده وحدانیت اساس اول منهج دعوت در مکه مکرمه بود. سوره های قرآن کریم که در مکه مکرمه نازل شد عموما در مورد بیان عقائد و مکلفیت های دینی بود و رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در روشنی و هدایت آیات مکی مسلمانان را تربیت نمود.. در تربیت وحدانیت ، حضرت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم هر نوع شریک ، واسطه بین خالق و مخلوق را از بین برداشت و رابطه بنده را رأسا و مستقیما با خلق محکم ساخت . اساس عقیده توحید سبب شد مردمی که بت های ساخته شده از سنگ را پرستش میکردند، آن سنگها را تهداب منازل خود ساختند.

2. آخرت : معرفت به آخرت و ایمان آوردن به روز جزا اساس دوم تربیت و منهج آنحضرت در مکه بود. رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم مسلمانان را متوجه آخرت ساخت و عقیده حساب و کتاب ، سؤال و جواب را از جمله عقاید ثابت دانست . رسیدن به آخرت آخرين استيشن قطار است که انسان باید به آن برسد و از قطار پائين شود . رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برای امت خود وعده نداد که آنها را در آخرت نجات میدهد بلکه راه و طریق نجات را به امت آموخت و قرآن حساب و کتاب را در آخرت اینطور بیان

کرد : (فمن يعْمَل مثقال ذرَة خيراً يرهُ \* و من يعْمَل مثقال ذرَة شراً يرهُ ..... ) و (و لا تزِرْوا زرَة وزرَ آخرَ) کسی گناه کسی دیگر را حمل نمی کند

3. تزکیه نفس : تزکیه نفس در منهج اسلام عبارت از بجا آوردن عبادات معین که خداوند آنرا شرع نموده و ترك اموری که خداوند امر به ترك آن کرده است. باين معنی که عبادت در اسلام نیست مگر اينکه خداوند امر کرده باشد و نواهي نیست مگر اينکه خداوند منع کرده باشد . در مورد تزکیه نفس مهربانی نموده آيات 151 تا 153 سوره الأنعام را مطالعه فرماید .

4. حفظ جماعت مسلمین : رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را جماعت متكامل و غیر قابل انقسام ساخت و اساس وحدت را برادری، همکاری ، نصرت مظلوم، تقویت ضعیف و اعطاء محروم قرار داد و مسلمانان حق فرد را بالای جماعت تعلیم گرفتن و آنرا در مکه قبل از هجرت عملی نمودند مثلا حضرت ابو بکر هر مسلمان ضعیف را که از طرف مشرکین عذاب میشد از پول خود او را خریده و آزاد می ساخت .

اساسات اولیه چهارگانه ای که در فوق ذکر شد، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آنرا در مکه بمیان آورد و مسلمانان آنها را عملا در زندگانی خود قبل از هجرت تطبیق نمودند بهترین نمونه برای ما مهاجرین مسلمان در کشور های غیر اسلامی میباشد و أمید است که مسلمانان افغانستان نقاط فوق را بدقت مطالعه و در عملی نمودن آن بذل مساعی نمایند .

## تنظیم جامعه اسلامی در مدینه :

بعد از هجرت مسلمانان صاحب سرزمین خاص بخود شدند و نام آنرا (دار اسلام) گذاشتند. در دولت جدید حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بصفت رسول خدا، قاضی و حاکم بود. سیاست رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در ساختار جامعه جدید قابل تأمل و دقت است و باید مسلمانان در مورد آن تحقیقات علمی نمایند و زاویه های که تا هنوز تاریک مانده آنرا روشن سازند زیرا سیاست رسول الله صلی الله علیه وسلم در ساختار جامعه مدینه رکن اساسی از ارکان سنت و جزئی از تاریخ سیرت میباشد. در این کنفرانس به نقاط اساسی سیاست رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به ترتیب ذیل اشاره میشود :

1. رابطه امت با خداوند.
2. رابطه افراد ملت با یکدیگر شان.
3. رابطه ملت با غیر مسلمانان از اهل کتاب و مشرکین.
4. رابطه ملت با گروهی منافقین.

اول رابطه ملت با خداوند : رسول اکرم صلی الله علیه وسلم رابطه بین امت و خداوند را رابطه مستقیم ساخت و هر نوع وسیله و واسطه را بین خدا و بنده نفی کرد. برای تحقق ساختن این امر بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسجد را تعمیر نمود و نماز را اولین زینه یا اولین اساس رابطه بین خالق و بنده معرفی نمود. صحابه رابطه را با خداوند مستقیما محکم ساختند و یکی از مهمترین تیجه رابطه بنده با خالق ارتقا و پاکی روحی مسلمانان بود که در نتیجه آن مسلمانان به خداوند به اساس صحیح و از راه مستقیم رسیدند و خداوند را از راه علم اطاعت نمودند نه از طریق جهل . رابطه مستقیم بود که صحابه معنی : إیاک نعبد و إیاک نستعين را درک صحیح کردند.

مسجد در جامعه اسلامی ابعاد متعدد داشت، مسجد مرکز حکومت، مرکز توجیه روحی و مادی، مرکز عبادت، مدرسه تعلیم و تربیه، کلوب علمی و سپورتی بود و تازمانیکه مسجد در جامعه اسلامی وظیفه اصلی خود را داشت مسلمانان با عظمت ترین مردم جهان بودند و از زمانیکه مسجد رسالت خود را از دست داد مسلمانان در جامعه انسانی در جمله کشور های سوم قرار گرفتند و یقین است اگر جهان چهارم نیز روزی تشکیل شود مسلمانان از جمله آنها خواهد بود.

دوم : رابطه افراد امت با یکدیگر شان : اساس رابطه بین افراد امت را رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم (اخوت یا برادری) ساخت و از فرهنگ اسلامی کلمه (من) را حذف و بجای آن کلمه (ما) را قرار داد . رابطه جدید خط بطلان بر عقاید قومیت ، نژاد ، زبان و وطن کشید و همه در ساحه اسلام و قیادت نبی اللہ با هم برادر و برابر شدند و فضیلت فقط به اساس تقوی شناخته شد .

رابطه ، یا معاهده برادری را رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در جامعه اسلامی تطبیق عملی نموده نافذ ساخت و در جامعه اسلامی رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بصفت برادر بزرگ شناخته شد . عقد برادری باسas اسلام نسبت به حقوق قرابت بالاتر بود تا درجه که مسلمانان از یکدیگر شان تا زمان غزوه (بدر) میراث می برند و مهاجرین از انصار میراث برند بدون اینکه اقارب و صلة رحم بین شان بوده باشد . بعد از غزوه بدر خداوند میراث را باسas قرابت و صلة رحم ساخت که در سوره الأنفال در آیه 75 میخوانیم: (و آنانکه ایمان آورند پس ازین وهجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما این گروه نیز از شمامت و خویشاوندان بعض ایشان نزدیک تراند به بعضی در حکم خدا هر آئینه خدا بهمه چیز داناست .).

امام بخاری روایت میکند که ابن عباس رضی اللہ عنہما در تفسیر آیة 33 سورہ النساء می گوید که میراث باساس عقد برادری لغو و باساس صلة رحم تعیین شد . ( و برای هریک ( از مردان و زنان ) وارثانی تعیین نموده ایم تا از آنچه که پدر و مادر و اقارب به ارث گذاشته اند بر خوردار شوند ، و کسانیکه با ایشان عهد بسته اید پس قسمت ( حقوق ) شانرا به آنها ( کامل ) بدھید ، بی شک که خداوند بر همه چیز ناظر و گواه است . ) .  
 «تفسیر از استاد سیرت»

سوم : رابطه امت با غیر مسلمانان : بعضی تصور کرده اند که مسلمانان در پھلوی خود کسی دیگر را قبول ندارند و این یک مفکوره و فکر غلط و یک اشتباھی بزرگ است که در حق رسول خدا و اسلام و مسلمانان شده است .

رسول اکرم صلی اللہ علیه وسلم رابطه بین مسلمانان و غیر مسلمانان را رابطه زندگی صلح آمیز تعیین نمود و تمام باشندگان مدینه چه مسلمان و چه از آهل کتاب و مشرکین همه را بنام امت واحد شناخت و در معاهدة که بنام ( الصحیفة النبویة ) یاد میشود در ماده اول آن آمده : مسلمانان از قریش و یثرب { مهاجرین و انصار } و کسانیکه با ایشان ملحق شده { ساکنان مدینه از غیر مسلمانان } امت واحد را می سازند و در دفاع از شهر مشرکین و یهود را با مسلمانان شریک ساخت . در یکی از مواد آن آزادی عقیده را تضمین نمود و نوشت : ( لیهود دینهم و للمسلمین دینهم ) برای یهود اند دین شان و برای مسلمانان دین شان .

چهارم : رابطه امت با منافقین : منافقین کسانی بودند که در ظاهر مسلمان و در باطن ضد اسلام و مسلمانان و در انتظار این بودند که کدام طرف در قضیه پیروز میشود تا جانب او را بگیرند . رسول اکرم صلی اللہ

علیه وسلم منافقین را معامله مريض نفسی و روانی نمود و کوشش نمود تا معالجه شوند . منافقین را از جامعه اسلامی بیرون نساخت و با ایشان با اینکه خداوند آنها را به رسول خود معرفی نمود معامله مسلمان را نمود تا همه در جامعه با صلح و صفا زندگی داشته باشند .

### منزلت سنت در اسلام :

قرآن کریم معجزه بزرگ محمد صلی الله علیه وسلم می باشد که خداوند وعده حفظ آنرا داده . قرآن کریم مصدر اول از مصادر قانون و شریعت در اسلام است . سنت بعد از قرآن به مرتبه دوم قرار دارد و وظیفه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بیان احکام قرآن بود و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با قول و عمل و تقریر ( آنچه صحابه گفتند و رسول الله منع نفرمودند و یا اینکه در مورد آن سکوت فرمودند ) خود احکام قرآن کریم را توضیح و بیان نمود . به عبارت دیگر سنت تفسیر عملی و تطبیق واقعی قرآن کریم و بیان احکام الهی میباشد بدین معنی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم قرآن زنده بود که بین مردم حرکت میکردند . ام المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها معنی قرآن زنده را خوبتر از دیگران میدانست و در جواب سؤال مردم از اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پرسیدند جواب داد : ( کان خلقه القرآن ) . اخلاق محمد قرآن بود .

علمای سنت ، کلمه سنت را اینطور معنی میکنند : طریق ، منهج ، حکمت نبوی در بیان قرآن کریم ، شرح حقائق اسلام .

سنت منهج شامل بوده که تمام حیات انسان را طولاً و عرضاً و عمقاً در بر میگیرد .

طولا : امتداد زمانی، یعنی شامل حیات انسان از مرحله جنین تا بعد از مرگ و زنده شدن بعد از آن.

افقی یا عرضا : شامل تمام حیات انسان در خانه، بازار، مسجد، رابطه با خداوند، رابطه با نفس، رابطه با خانواده، با مسلمانان و غیر مسلمانان، با انسانها و حیوانات و جمادات.

عمقا : شامل جسم، عقل، روح، ظاهر، باطن، قول، عمل و نیت.

از طریق سنت ایمان با معرفت، وحی با عقل، تشریع با تربیت تنظیم می شود و در سنت تشریع بدون تربیت و تربیت بدون تشریع نیست.

**سنت منهج واقعی است :** سنت با مردم معامله انسان را میکند نه معامله ملائکه . سنت ضعف و ناتوانی انسان را مد نظر دارد (بیرید اللہ ان يخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً النساء 28) « خداوند میخواهد تکلیف شما را تخفیف بخشد (امور دین را بر شما آسان سازد) و انسان ضعیف آفریده شده است».

لذا سنت دائم مباحثات (آنچه در منع و امر آن حکم صریح نیامده و انسانها در انجام آن و عدم انجام آن مختار هستند) را وسعت و دائم محترمات را کوچک می سازد . ضرورت ها را در وقت آن مباح میسازد مثلا رسول اکرم صلی اللہ علیه وسلم برای تعدادی از صحابه که مريض بودند پوشیدن لباس ابریشم را اجازه دادند .

- سنت می داند که انسان گناه میکند (تمام بنی آدم خطأ کار است و بهترین خطأ کنندگان توبه کنندگان اند) لذا سنت دروازه توبه را بروی بندۀ مسدود نمی سازد .

• سنت اختلاف حالات مردم را مد نظر دارد و رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در یک سؤال نظر به حالت سؤال کنند جوابات متفاوت میدادند. مثلا در جواب سؤالی که آیا شوهر در روز ماه رمضان میتواند خانم خود را بوسه کند، برای مرد پیر گفتند مانع نیست لیکن برای جوانی گفتند جواز ندارد.

• سنت به عادات اقوام و اختلاف رسم و روحهای مردم توجه دارد. نبی اللہ برای مردم حبشه اجازه دادند که در مسجد نبوی آواز بخوانند و در روز عید بازی کنند. در شب عروسی و آمدن مسافر از سفر لھو و لعب را مباح ساخت تا مردم بدانند که در دین خدا حرج یعنی مشکلات نیست. رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم از آم المؤمنین بی بی عائشہ سؤال کرد که آیا با دختری از انصار که عروسی نمود خانمی را فرستاده است تا آواز بخواند زیرا انصار لھو و لعب را خوش داشتند. رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برای سفراء خود می گفت هر جا که میروید برای مردم آسانی کنید نه سختی. زمانیکه آنحضرت، ابو موسی و معاذ بن جبل رضی اللہ عنہما را به یمن فرستادند به ایشان امر فرمودند که در دین خدا برای مردم آسانی را پیش کنید و دین را مشکل نسازید و به مردم بشارت بدھید مردم و مردم را متنفر نسازدی و فرمودند: (یسروا ولا تعسروا، وبشروا ولا نتفروا «متفق علیه، لؤؤ و مرجان: 1131) آسان بگیرید و سخت نگیرید و مردم را بشارت بدھید و متنفر نسازید . و آیه کریمه که: (ما یرید اللہ لیجعل عليکم من حرج) و ( یرید اللہ ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفا \*النساء: 28 . ) خداوند میخواهد تکلیف شما را تخفیف بخشد ( امور دین را بر شما آسان سازد ) و انسان ضعیف آفریده شده است .

- سنت غلو در دین را مصیبت بزرگ میداند لذا رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم مسلمانان را از غلو منع و رهیابیت را نفی کردند و مسلمانان را امر کردند که نصیب خود را از دنیا بگیرند و از نعمت‌های خداوند استفاده نمایند مگر به اعتدال. در کتب سنت، احادیثی زیادی است که آنحضرت مسلمانان را از غلو در دین منع می‌فرمایند. عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ روایت میکند که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند : ( هلک المتنطعون \* غلو کنند گان هلک شدند ) این جمله را سه بار آنحضرت تکرار نمودند .

امام النووی در مورد کلمه ( المتنطعون ) در شرح مسلم می‌نویسد : متنطعون کسانی اند که غلو میکنند در اقوال و افعال خود و از حد تجاوز میکنند ( مسلم 3 / 2055 کتاب العلم ، باب هلک المتنطعون و شرح صحیح مسلم : 16 / 220 ) .

- سنت در فرائض واجبات آسانی را پیش میکند مثلا در طهارت اگر آب مضر برای صحت باشد تیم را اجازه میدهد . در نماز اگر شخصی قادر به ایستادن نباشد برایش اجازه میدهد که نشسته نماز بخواند و اگر نشسته نمی‌تواند خوابیده بخواند ، در سفر و حالات بد جوی جمع را در نماز اجازه میدهد . در حج حرج را بر میدارد .

از مطالعه سنت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ملاحظه می‌گردد که سنت همه اش آسانی برای مردم است و آنحضرت می‌فرمایند : من برای رحمت و هدایت شما آمده ام ( إنما أنا رحمة مهداة ) . قرآن کریم در همین مورد می‌گوید : ( و ما أرسلناك إلأ رحمة للعالمين \* الأنبياء : 107 ) به تحقیق که ترا برای رحمت عالمین فرستادیم .

درین جا اگر اجازه باشديک مثال از آسانی دين را در باب عبادت می آوریم. حضرت عمرو بن العاص با جماعتی از مسلمانان در سفربود. نماز صبح را امامت کرد و قبل از نماز در بدل غسل جنابت، تیمم نمود. صحابه در بازگشت به مدینه منوره موضوع را به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم عرض کردند. حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از عمرو بن العاص در مورد سؤال کرد. عمرو بن العاص جواب داد : یا رسول الله آب سرد و سردی هواه بسیار شدید بود ترسیدم که مریض نشوم و در همین وقت آیه مبارکه (ولَا تقتلوا أنفسكم إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) «خود را نکشید هر آئینه خداوند بر شما مهربان است» بیادم آمد پس تیمم کردم . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تبسم نمودند و ازین حکایت فقهای اسلام استنباط نمودند که نماز کسی که وضعه دارد در عقب امامی که تیمم کرده جواز دارد.

در آسانی منهج سنت احادیث زیادی روایت شده و همچنان آیات زیادی در قرآن کریم است که احادیث شریف را تقویت میکند مثلا : (إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ \* الْأَنْبِيَاءُ : 156).

و (إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَعْثُنِي مَعْنَتِي وَ لَا مَتْعَنِتِي ، وَ لَكِنْ بَعْثَنِي مَعْلِمًا مَيْسِرًا).

## فرق بین سنت و سیرت در استدلال و حجت

یکی از مشکلات بزرگ که جامعه اسلامی خصوصاً در مسائل سیاسی امروز بدان مواجه اند عدم توجه در مورد سنت و سیرت و فرق بین این دو است.

سنت مصدر تشريع و توجیه در اسلام بجوار قرآن کریم میباشد . قرآن اصل و اساس، و سنت بیانگر و تفسیر تطبیقی آن است. خطای بزرگ در این است که بعضی ( سیرت ) را در موضع یا موقع ( سنت ) قرار داده و به اساس سیرو حوادث سیرت حکم میکنند و مردم را ملزم ( مجبور ) می سازند که به همان اندازه و مقدار که از سنت و قرآن استدلال می کنند از سیرت نیز استدلال نمایند .

سیرت مرادف سنت نیست ( السیرة ليست مرادفة للسنة ) ، بعضی از مسائل در سیرت است که داخل تشريع نبوده و هیچ نوع صله و رابطه با تشريع ندارد بدین ترتیب اصولی ها ( فقهاء ) سیرت را در تعریف سنت نمی آورند ، بلکه می گویند : { السنة ما صدر عن النبی صلی الله علیه وسلم من قول او فعل او تقریر } یعنی سنت آن است که از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از قول ( گفتار ) فعل ( عمل ) و تقریر ( یک حرکت و یا یک واقعه در حضور یا در غیر حضور آنحضرت پیش شده و صحابه در مورد آن فیصله نموده اند و آنحضرت در مورد آن سکوت کرده اند ) نظر به این تعریف اصولی ها سیرت را ضمن سنت نمی آورند .

صحابه محدثین یا اهل حدیث در بین ( قول ، فعل و تقریر ) صفات ( خلقی و خلقی ) و سیرت را اضافه میکنند . ایشان یعنی اهل حدیث آنچه به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تعلق دارد چه ارتباط به تشريع دارد و یا ندارد

جمع می نمایند . مانند : ( ولادت ، مرحله طفولیت ، قبل از بعثت و مرحله جوانی و هر آنچه مربوط به حیات رسول صلی اللہ علیہ وسلم تعلق دارد ) . مهم در این بحث آن است که بعضی از مسئولین نهضت های اسلامی و بعضی نویسندها از سیرت احکام را گرفته و مردم را به اطاعت از آن مجبور می سازند . در این مورد دو ملاحظه موجود است :

اول : در سیرت بسیاری از واقعات و احداث است که سند متصل و صحیح ندارد ، در سیرت آن توجه که در روایات احادیث که متعلق به احکام و مسائل حلال و حرام است نبود .

دوم : سیرت جانب عملی از حیات رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را نمایندگی میکند یعنی قسم ( فعل ) از سنت اغلب .

و فعل تنها دلالت به واجب بودن نمی کند بلکه دلالت فقط به جواز دارد ، و واجب لازم است که دلیل دیگر نیز داشته باشد .

صحیح است که ما باید اقتداء به رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم داشته باشیم و یا بکنیم ( لقد کان لكم فی رسول الله أسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا \* الأحزاب : 21 ) « هر آئینه هست شما را به پیامبر خدا پیروی نیک کسی را که توقع می داشت ثواب خدا و توقع میداشت روز آخر و یاد کرد خدا را بسیاری ». آیت دلالت به استحباب را دارد نه به واجب بودن را . اقتداء و گرفتن به سیرت در اخلاق و قیم و مبادی و موافق عمومی است نه در موافق تفصیلی .

پس ضرورت نیست که اقتداء شود به دعوت سرا در حالیکه دعوت به جهر میسر باشد .

ضرورت نیست که مهاجرت نمائیم قسمیکه آنحضرت مهاجرت نمودند ، اگر ضرورت برای مهاجرت نباشد و اگر به امان در کشور های خود

زندگانی داشته باشیم و قدرت دعوت را داشته باشیم پس مهاجرت یک ضرورت نیست. مهاجرت به مدینه منوره بعد از فتح مکه بالای مسلمانان فرض نبود مثلیکه قبل از فتح بود . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند : ( لا هجرة بعد الفتح ، ولكن جهاد ونية ، و إذا استنفرتم فانفروا \* متفق عليه ) . هجرت بعد از فتح نیست، بلکه جهاد و نیت است ..... ضرورت نیست که از صحابان قدرت و سلطه نصرت بخواهیم مثلیکه آنحضرت از بعضی قبائل خواهستند .

ضرورت نیست که 13 سال را فقط در غرس عقیده کار نمائیم و مردم را به آن دعوت کنیم زیرا ما امروز در بین مسلمانان سکونت داریم که به لا إله ألا الله، وأن محمدا رسول الله ايمان دارند و احتجاج باین نیست که مدت ذکر شده را در تعلیم عقیده بین شان سپری شود . اگر ما امروز به عدالت اجتماعی ، شورا ، حریت ، حرکات آزادی بین فلسطینی ها و جهاد ملت افغانستان توجه بیشتر داشته باشیم به این معنی نیست که مخالف هدایات نبوی حرکت داریم و آنحضرت به این امور توجه نکردند مگر بعد از هجرت به مدینه ، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در مکه در بین مردمی زندگانی داشتند که مشرک و جاہل بودند ، رسالت را تکذیب نمودند و اولین وظیفه آنحضرت مسأله توحید و رسالت بود .

به خلاف جامعه امروز ، که به خداوند بحیث رب و به اسلام بصفت دین و به محمد به صفت رسول الله ایمان دارند اگر چه بعضی معصیت و انحرافات از شرع ملاحظه میشود .  
ترجمه از کتاب : ( أوليات الحركة الإسلامية في المرحلة القادمة ، تأليف: دكتور يوسف القرضاوى ) .

## آیا اختلاف مصیبت است؟

درین اواخر مشکلاتی بین برادران مسلمان در هر مذهبی که هستند بوجود آمده که متأسفانه تلفیزونها در آتش فتنه و فساد بین مذاهب اسلامی ساعی هستند.

جای شک و تردید نیست که اتفاق و همبستگی از جمله فرائض در دین اسلام است. کسانی که از جمله اهل دعوت بحساب می‌آیند واجب است تا برای ایجاد اتحاد، الفت و جمع قلوب مؤمنین کار و از اختلاف و تفرقه و آنچه جماعت مسلمین را متشتت و کلمه شانرا متفرق و عداوت ظاهری و بعض باطنی را بوجود می‌آورد سعی بلیغ نمایند.

آیات قرآنی و احادیث نبوی و اجماع امت مسلمانان را به اتحاد و اتفاق و همکاری دعوت می‌کند و کلمه اتحاد یک کلمه یا اصطلاح قبول شده در ثقافت و فرهنگ اسلامی می‌باشد که در فهم و معنی آن دو نفری نیست که با هم متفق النظر بناشند، لیکن در مورد اختلاف در جامعه افغانی کار علمی تا حال صورت نگرفته و تعدادی از افراد جامعه ما معنی صحیح اختلاف و تفاوت‌های که بین اختلاف مشروع و اختلاف غیر مشروع در فرهنگ اسلامی است ندانسته‌اند.

کسانی که عزم دارند مردم را به رأی واحد در احکام عبادات و معاملات و سائر فروع دین جمع نمایند باید بدانند که زحمت کشی های شان ممکن نیست نتیجه مثبت بدده و کوشش های شان در بدل رفع اختلاف دائره اختلاف را بیشتر می‌سازد و این گروه با تمام اخلاص که نسبت بدين دارند متأسفانه فهم و ادراک شان به طبیعت دین اسلام کامل نیست لذا عمل کرد این گروه در بدل اینکه به نفع جامعه اسلامی باشد به ضرر جامعه تمام می‌شود.

درین اوخر بین مسلمانان ( سنی و سنی ، شیعه و شیعه ) اختلافات در مسائل فکری و آنچه ارتباط به فکر و طرز تفکر ( نه در عقیده ) دارد ظاهر شده و اسباب پریشانی امت اسلام را بار آورده . تکنالوژی معاصر در جامعه اسلامی بدل اینکه در خدمت اتحاد باشد در خدمت نفاق و اختلاف قرار گرفته و در عوض خوشبختی ، بدبختی و نا آرامی را به هموطنان عزیز هدیه می نماید . درین کنفرانس به بعضی مشکلاتی که جامعه اسلامی افغانستان در فهم اختلاف دارند اشارات صریح می شود و امید است برای بعضی از مهمان گرامی مفید باشد :

- مشکل بزرگ که بعضی از مسلمانان دارند درین است که هر گروه و جماعت و حتی افراد باین عقیده اند که مذهب و مدرسه فکری و فلسفی که از آن پیروی میکنند در حق و تمام اعمال و کردار خود شان در صواب و حق و کسانیکه در مذهب و فکر با ایشان یکجا نیستند همه اعمال و کردار و حتی عقائد شان باطل است.
- مشکل دیگر این است که تعداد زیادی از مسلمانان تفاوت بین اختلافات در عقیده و فقه را کرده توانسته و تصور نموده اند که اختلافات در مسائل اجتهادی و فقهی یعنی اختلافات در مسائل اعتقادی است ..
- مشکل دیگر در جامعه افغانی در این است که پیروان مذهب واحد از حقیقت علمی و اساسات اولیه و اصول ثابت مذهب خود با خبر نبوده از معلومات حتی ابتدائی از مذهبی که پیروی میکنند ندارند ، جهل در مذهب و عدم دانش به مذاهب دیگران اسباب اختلاف را آماده میسازد .

مشکل دیگر در این است که مسائل اختلاف فیه را در عقب پرده های تلفیزیون مورد مطالعه و مناقشه قرار میدهند در حالیکه مسائل اختلاف فیه نباید در بین مردم عامه مورد مناقشه قرار داده شود زیرا در مسائلی که در آن اختلاف است فقط کسانی حق مناقشه را دارند که علم به اختلاف علماء داشته باشند. در مدرسهٔ تسنن قاعده کلی است که: هر کس اختلاف علماء را نداند اصلاً علم را نمیداند. باین معنی که علم داشتن به اختلاف علماء انسان را عالم می‌سازد و اختلاف علماء سبب ارتقاء و پیشرفت علوم می‌گردد.

اختلاف در فروع دین را علمای کرام بدرجهٔ ضرورت و رحمت میدانند و اختلافات در فروع دین در نتیجه: طبیعت دین، طبیعت زبان، طبیعت بشر، طبیعت کون و حیات است.

1. طبیعت دین: اراده خداوند سبحانه و تعالیٰ بود که بعضی احکام واضح و بعضی احکام در حکم آن سکوت باشد و احکامی که در مورد آن سکوت شده قابل اجتهاد و استنباط میباشد. اگر خداوند اراده میکرد که مسلمانان در تمام امور صغیره و کبیره متفق النظر باشند تمام آیات بصورت محکمات نازل میشد در حالیکه بعضی آیات محکمات و بعضی متشابه میباشد. قرآن کریم آیات محکمات و متشابه را اینطور بیان میکند: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَبَ مِنْهُ آيَةً مَحْكُمَةً هُمْ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أَخْرَى مَتَّسِبَهُتْ فَامَا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زِيغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَّهُ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفَتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّسُولُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ امَّا بَهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا وَ مَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَبُ). او است خدائی که کتاب (قرآن) را بر تو نازل فرمود، برخی از

آن آیات محکم است (دارای معانی روشن و غیر قابل احتمال و اشتباه ) که این آیات اصل کتاب و اساس حکم است ، و برخی دیگر آیات متشابه است (درک معانی این آیات به سهولت میسر نیست ) و اما کسانیکه در دلهاشان میل بباطل است بمنظور فتنه گری و به قصد تأویل آیات ( مطابق هویت های باطل شان ) در پی آیات متشابه روند و حال آنکه تأویل آنرا جز خداوند کسی نداند و دانشمندان با صلاحیت علمی میگویند ما به آن (متشابه) ایمان داریم همه آیات (چه محکم و چه متشابه ) از نزد پروردگار ما است، و پند نگیرد مگر خردمندان}. (آل عمران : 7).

2. طبیعت لغت یا زبان : مصدر دین قرآن کریم و سنت است . قرآن کریم شامل نصوص قولی ، لفظی و همچنان سنت اقوال و نصوص لفظی میباشد و در نصوص قولی و لفظی موضوع زبان شامل است و در تفسیر و فهم نصوص لفظی قوانین زبان داخل میباشد . مفردات ، ترکیبات ، لفظ مشترک که معانی مختلف را افاده میکند ، حقیقت ، مجاز ، عام ، خاص ، مطلق ، مقید ، دلالت قاطع و دلالت محتمل و غیره . بطور مثال آیة طهارت سوره المائدہ : 5 ( يأيها الذين آمنوا إِذَا قَمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ ... ت آخر آیه ) در استنباط احکام طهارت در این آیه مبارکه فقهاء نظریات و آراء متفاوت را پیش کرده اند .

3. طبیعت بشر : فکر و طبیعت بشر در تفسیر و استنباط احکام فقهی دخیل است و هر انسان شخصیت مستقل و صاحب تفکر متمایز نسبت به شخص دیگر میباشد . اختلاف در طبیعت بشر اختلاف در تنوع (انواع و اقسام ) است نه اختلاف متضاد یا ضد یکدیگر . اختلاف در تنوع مصدر ارتقای علمی و پیشرفت علوم شرعی و انسانی میباشد . بعضی مردم میل به شدت و بعضی

میل به آسانی دارند . در فقه تسنن دو مدرسه است : شدائد ابن عمر و رخص ابن عباس . اختلاف بین حضرات ابوبکر و عمر در طبیعت بشری شان بود ، ابوبکر رضی الله عنہ نرم و عمر رضی الله عنہ شدید بود لذا تفاوتها را در فقه هر دو ملاحظه میکنیم ، همچنان تفاوتها را در فقه عبدالله بن عباس ، عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عمر بوضاحت ملاحظه می شود .

4. طبیعت کون یا کائنات : زمین که ما در آن زندگی داریم جزء صغیر از کائنات را تشکیل میدهد . در زمین هر آنچه خداوند خلق نموده از یکدیگر متفاوت است . تفاوت در رنگ ، در میوجات . تفاوت در خلقت کائنات معنی آن تفاوت در خلقت خداوند سبحانه نیست و قرآن می گوید : (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت ) . بلکه تفاوت و اختلاف در تنوع و زیبائی طبیعت است .

5. اختلاف رحمت است : اختلاف در مسائل علمی و فقهی رحمت بزرگ و سبب پیشرفت علوم اسلامی می باشد . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید : خداوند حدود را تعیین نموده از آن تجاوز نکیند و فرائض را فرض ساخته آنها را ضایع نسازید و بعضی اشیاء را حرام ساخته به آنها پیش نشوید و از بعضی اشیاء سکوت نموده ( یعنی در حکم آن سکوت شده ) جهت رحمت برای شما بدون اینکه خداوند فراموش کرده باشد و در آن ساحه یعنی ساحة سکوت شده بحث و تحقیق یعنی سؤال نکنید . اشیائی که از آنها سکوت شده مساحت بیشتر را در فقه اسلامی دارد و در منطقه سکوت است که نظریات بین علماء و فقهاء تفاوت میکند . مقصد از سکوت در حدیث شریف آن است که این مساحه به عقول و فکر سليم گذاشته شده است تا در روشنی

نصوص در حل و فصل آن اجتهاد شود . تأسیس مذاهب اسلامی نیز در نتیجه وجود همین مساحت بزرگ است . تشکیل و تأسیس مذاهب در اسلام را علامه شیخ مرعی حنبی در ( تنویر بصائر المقلدین ) اینطور شرح میدهد : ( اختلاف مذاهب در این ملت یعنی ملت اسلام رحمت بزرگ و فضیلت عظیم و سر لطیف است که طبقه عالم آنرا درک میکند و مردم جاهل از آن بی خبر اند ، اختلاف مذاهب از ممیزات و صفات این امت و توسعه در شریعت و آسانی در عمل است ) .

6. اختلاف ثروت علمی بزرگ است : اختلافات در مسائل فقهی و اجتهادی سبب شده که فقه اسلامی با ثروت ترین قانون در بین قوانین جهان باشد . تعدد مذاهب و مدارس فقهی مثل مدرسه : ( اثر ، مدرسه رأی ، مدرسه ظاهری ، مدرسه اعتدال و وسط ) ، مدارس تسنن و مدارس تشیع یکی از برازندگی های علمی اسلام است . در کنفرانس بین المللی قانون مقارن در (لاهای ) سال 1936 و کنفرانس پاریس سال 1951 فقه اسلامی در بین قوانین وضعی غربی از غنی ترین فقه و قانون شناخته شد . کنفرانس مجمع رابطه عالم اسلامی در دوره دهم خود که بتاریخ 1408 هجری قمری بود در مورد اختلافات بین مذاهب این علامیه و فیصله را صادر کرد :

اختلافات مذاهب فکری در جهان اسلام دو نوع است :

- اختلاف در مذاهب اعتقادی .
- اختلاف در مذاهب فقهی .

اول: اختلاف اعتقادی مصیبت بزرگی برای مسلمان میباشد و سبب تفرقه کلمه مسلمانان میگردد .

ب : اختلاف در مسائل فقهی اسباب علمی دارد و این نوع اختلاف نعمت بزرگ و سبب نموی عقل بشر و ثروت ثقافتی بزرگ برای ثقافت اسلامی است . اختلافات فقهی مخالف شرع نبوده و تناقض در دین خدا بحساب نمی آید . در جهان امتی وجود ندارد که در نظام تشریعی یا قانونی خود که باسas اجتهاد و عمل فکری است اختلاف نداشته باشد .

لیکن اختلاف که قرآن و سنت آنرا مذمت یعنی بد گفته است اختلاف باسas هوی و نفس میباشد . لطفا برای این نوع اختلاف به آیه 213 سوره البقرة ، آل عمران : 19 . الجاثیة 16 - 17 ، آل عمران : 103 ، الأنفال : 46 - 159 ، الروم : 30 - 32 مراجعه فرماید .

.7 در دائرة تسنن ، متابعت از شخص امام نیست بلکه متابعت از دلیل امام است و قول امام اگر بدون دلیل باشد در دائرة تسنن قابل قبول نبوده قول اجتهاد به حساب می آید . همچنان در دائرة تسنن مذاهب چهارگانه با تمام اعتبار که در نزد جمهور امت دارد حجت در دین خدا نیست بلکه حجت ادله شرعی منقول و غیر منقول است که مذاهب می آورند . در دائرة تسنن عقیده عصمت امامان اصل شرعی ندارد و هر انسان بغیر از پیغمبر صلی الله عليه وسلم ممکن است در صواب باشد یا در خطأ . در دائرة تسنن یک مذهب به تنهائی خود نمی تواند کل شریعت حساب شود و همه مذاهب جمعا شریعت حساب می شود .

.8 مشکلی که بین پیروان شیعه و سنی امروز بوجود آمده اصل تاریخی دارد با یک تفاوت که این مشکل در سابق در دائرة علماء بود و امروز در بین همه طبقات امت است و به همین دلیل

خطر ناک شده است. برای حل این مشکل باید علمای تسنن و تشیع مخلصانه اجتماع نمایند و با اصدار اعلامیه های مشترک آنانیکه سبب این مشکلات شده اند از صفحه خود ایشان را دور سازند.

برای مناقشه در راه حل اختلافات بین مذهب شیعه و سنی در این کنفرانس مؤقر بند چند پیشنهاد را تقدیم میکنم:

- زمانی در مناقشه به نتیجه میرسیم که مرجع یا مرجحیت حکم را قبل از قبول و تعیین نمائیم.
- مفاهیم و اصطلاحات را تعیین و قبل از قبول نمائیم.
- خود و امت را مشغول مشکلات عمدۀ که امروز امت اسلام را احتواه کرده نمائیم.
- در مسائلی که با هم متفق النظر هستیم با هم یکجا کارکنیم و در مسائلی که با یکدیگر اختلاف داریم عذر یکدیگر خود را قبل نمائیم.
- از هوا و هوس دوری و در مناقشات خود اخلاص نیت داشته باشیم.
- حسن ظن با دیگران داشته باشیم.
- یکدیگر را توهین و اهانت نکنیم.
- دوری از خصومات و متهم نساختن یکدیگر.
- مناقشه به طریقۀ حسنۀ که از تعلیمات اسلام است.
- موقف مشترک علیه کسانی که معتقدات اطراف مختلف را احترام نمی کنند.
- دوری از تعصبات مذهبی، قومی، نژادی و زبانی.
- عدم نشر مذهب خود در بین جامعه که افراد آن به مذاهب دیگر ارتباط دارند.

- عدم غلو در دین و عدم تعصب به مذهب . (رساله غلو را که برای یکی از کنفرانسها ترتیب داده بودم به اداره این کنفرانس تقدیم میدارم امید است که مفید باشد ) .
- تشکیل کنفرانسها و نشر کتب بصورت مشترک بین محققین هر دو مذهب .
- در برنامه هایی تلفزیونی ، هر مذهب مسائل فقهی مذهب خود را بنشر سپرده مذهب دیگر را مورد اهانت و توھین قرار ندهد که متأسفانه اهانت و توھین به اصحاب و آمهات مؤمنین بصراحة در بعضی برنامه ها جریان دارد که در این کنفرانس نمونه هایی آنرا تقدیم میکنم .
- دانشمندانی که جوابات هموطنان را میدهند بهتر است از کتاب ( فقه علی مذاهب خمسه ) ( حنفی ، مالکی ، شافعی ، حنبلی ، جعفری ) استفاده نمایند و از علمای کرام دعوت میکنم تا این کتاب مهم که ممکن است در نزدیکی بین مذاهب ممد واقع شود ترجمه و در چاپ آن توجه عمیق مبذول فرمایند .
- توجه داشتن به نشر ( فقه اقلیات اسلامی در کشور های غیر اسلامی ) . مشکلاتی که ما مسلمانان در دیار غیر اسلامی داریم حل اسلامی متفاوت را نسبت به مشکلات ما در کشور هایی اسلامی می خواهد . فقه اقلیات هایی اسلامی در کشور های غیر اسلامی ، فقه جدید و یکی از اعوامل نزدیکی مسلمانان در مذاهب متفاوت در جهان غرب میباشد . رساله کوچکی که برای یکی از کنفرانسها در مورد فقه اقلیت های اسلامی در کشور های غیر اسلامی ترتیب داده بودم به اداره این

کنفرانس تقدیم میدارم تا در صورت ضرورت به نشر سپرده شود.

در نهایت برای خواهران و برادران گرامی که در راه توحید صفو و نزدیکی فکری علاقه دارند مطالعه کتاب: ( مطالعه تمہیدی در فقه حنفی و جعفری « تفاوت و توافق » ) که از تألیف بندۀ میباشد و تا حال سه بار به طبع رسیده معرفی می‌کنم و امیدارم که هر خانواده یک جلد آنرا داشته و بعد از مطالعه آن در اصلاح آن بندۀ را همکاری فرمایند.

با عرض احترام / فضل غنی مجددی

## لست کتابهای چاپ شده از طرف مؤسسه فقه اسلامی

### مطالعه تمہیدی در فقه حنفی و جعفری

( توافق و تفاوت )

تألیف: فضل غنی مجددی

مراجعه: استاد دکتور عبدالستار سیرت

قیمت کتاب: بیست دالر و قیمت پست برای داخل امریکا پنج دالر و برای خارج از امریکا ۱۳ دالر

### در نظام دولت اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

قیمت کتاب: پنج دالر. قیمت پست برای امریکا پنج دالر و برای خارج از امریکا ۱۳ دالر.

## فتاوی در مسائل فقهی معاصر

تھیہ و ترتیب: فضل غنی مجددی

قیمت کتاب: بیست دالر. قیمت پست برای داخل امریکا پنج دالر و برای خارج امریکا ۱۳ دالر.

## افغانستان در عهد اعلیٰ حضرت امام اللہ خان

1929 – 1919

تألیف: فضل غنی مجددی

قیمت کتاب: بیست دالر. قیمت پست برای داخل امریکا پنج دالر و برای خارج امریکا ۱۳ دالر

## مرکز تحقیقات انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا (آمو) تقدیم میکند

قضايای مهم سیاسی در جهان اسلام

تحقیق از: پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت

قیمت رساله پنج دالر و قیمت پست به آن اضافه میشود

## انفجار بزرگ و کائنات

تحقیق از: قاری میرزا هد

قیمت رساله پنج دالر و قیمت پست به آن اضافه میشود

## دعوت از هموطنان گرامی

از خواهران و برادران مؤمن در خارج از افغانستان دعوت میکنیم تا با فرستادن صدقات شان نشرات فقه اسلامی انجمن دعوت اسلامی افغانستان (آمو) را تقویت نموده و نگذارند صدای حق خاموش شود.

فقه اسلامی در اول هر ماه در امریکا، اروپا، کانادا و استرالیا به چاپ میرسد. خواهران و برادران میتوانند فقه اسلامی را در اول هر ماه در مقابل مصارف طبع و پستی به خانه‌های خود داشته باشند.

فقه اسلامی تا حال 68 رساله علمی را در موضوعات مختلف اسلامی از صدقه برادران و خواهران گرامی به چاپ رسانده و رساله‌های فقه اسلامی برای فروش نمی‌باشد.

امید است که خواهران و برادران هر کدام یک رساله علمی و تحقیقی را از پول صدقه خود به چاپ برسانند. از علمای کرام دعوت میشود تا تحقیقات شان را که از چهل صفحه زیاد نباشد و قبل از تایپ شده باشد جهت نشر به اداره فقه اسلامی ارسال بدارند.

آدرس فقه اسلامی:

FAZL GHANI MOGADDEDI  
 201 WAHSHINGTOM BLVD # 104  
 FREMONT , CA 94539  
 U . S. A  
 TEL ( 510 ) 979 – 9489  
 aamo-net.org